

کار آفرینی آموزشی و مشکلات آن

طیبه رضائی

محمود حاج حسینی

www.ketab.ir

انتشارات تی آرا

تهران ۱۳۹۳

سرشناسه : رضائی، طیبہ، ۱۳۵۱ -
 عنوان و نام : کارآفرینی آموزشی و مشکلات آن/ طیبہ رضائی، محمود حاج حسینی، پدیدآور
 مشخصات نشر : تهران: نشر تی آرا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاہری : ۱۵۳ ص: ۱۶/۵×۲۱/۵ سم.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۱۰-۴۲-۹ ریال: ۱۱۰۰۰۰
 وضعیت فهرست : فہیبا
 نویسی :
 یادداشت : کتابنامہ: ص. ۱۵۳.
 موضوع : کارآفرینی
 شناسہ افزودہ : حاج حسینی، محمود، ۱۳۴۸ -
 ردہ بندی کنگرہ : HB ۱۳۹۴۱۵/۶ک۲/۶
 ردہ بندی دیوبی : ۰۴/۳۳۸
 شمارہ کتابشناسی : ۳۸۹۶۴۸۰
 ملی

عنوان کتاب : کارآفرینی آموزشی و مشکلات آن
 مؤلفین : طیبہ رضائی - محمود حاج حسینی
 انتشارات : تی آرا
 مدیر اجرایی : مقصود حسن زادہ
 طراح جلد : زہرہ روزبہانی
 چاپ و صحافی : ردنا
 نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴
 شمارگان : ۵۰۰
 قیمت : ۱۱۰۰۰۰ ریال
 نشانی : تهران، خیابان نجات اللہی، پلاک ۱۸۴، واحد ۶
 تلفن/تہامیر : ۶۶۹۷۱۲۰۸ - ۰۲۱
 پایگاہ اینترنتی/ایمیل : Teeara.pub@gmail.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۵	 مقدمه
۱۳	 مفاهیم کار آفرینی
۱۵	 مفهوم کار آفرینی:
۲۲	 سابقه کار آفرینی در دنیا
۲۶	 سابقه کار آفرینی در ایران
۲۸	 کار آفرین کیست؟
۳۷	 ویژگیهای کار آفرینان:
۵۳	 موانع کار آفرینی:
۶۱	 موانع سازمانی کار آفرینی
۶۴	 چالش های کار آفرینی در ایران
۷۴	 ایران چگونه جایی است؟
۷۹	 توصیف مختصری از وضعیت ایران
۸۱	 پراکندگی اجتماعات در ایران:
۸۲	 زندگی عشایری و صحرانگیزی:
۸۳	 تمرکز قدرت در دست حکومت
۸۴	 تبعات منفی تمرکز قدرت در دست حکومت:
۸۶	 ضرورت کار آفرینی دانش آموختگان
۱۰۰	 عقب ماندگی جهان سوم:
۱۰۵	 اقدامات کار آفرینی و تامین اجتماعی برای آتی: یک درخواست
۱۰۸	 نقش مغفول کار آفرین در احیای منابع
۱۱۰	 راهبردهای حفظ سرمایه با مشارکت های استخراجی
۱۲۴	 کار آفرینی دولتی در برابر کار آفرینی خصوصی در حفظ تاسیسات زیربنایی
۱۲۵	 پابرجایی اقدامات دولت در تقلید از حفظ کار آفرینی

- ۱۲۸..... غفلت ناشی از کارآفرینی بروکراتیک و سیاسی
- ۱۳۶..... نتیجه گیری
- ۱۳۹..... زمینه ها و ابعاد توسعه کارآفرینی :
- ۱۴۱..... منابع و مأخذ:

www.ketab.ir

مقدمه: نگاهی به کارآفرینی

یکی از مباحث اولیه آثار مربوط به کارآفرینی این است که آیا کارآفرین بودن یادگرفتنی است یا نه. مبحث حاضر موقعیتی را ترسیم می‌کند. از یک طرف افرادی مدافع این عبارت هستند که «کارآفرینان مادرزادی کارآفرین هستند، افراد دیگری نیز هستند که معتقدند که «کارآفرینان را باید ساخت». در برابر این دو موضع گیری: ظاهراً نظر مثبت از این انگاره دفاع می‌کنند یادگیری و آموختن کارآفرین شدن منوط به بهره‌گیری از سیاست‌ها و ابزارهای مختلف در امر آموزش است. برای حمایت از این دیدگاه نشأت گرفته از یک بررسی وسیع متون مربوطه به کارآفرینی و ایجاد اشتغال است، رابطه مهم بین آموزش کارآفرینی، ایجاد اشتغال و عملکرد کارآفرینی توصیف می‌گردد.

بنابراین، آموزش ابزار مهمی در رشد قابلیت‌های مورد نیاز برای ایجاد اشتغال جد است و چندین دولت اروپایی ایجاد رشته‌های آموزش کارآفرینی را ارتقا بخشید. باور بر این است که رشد استعداد کارآفرینی برای حفظ مزایای رقابتی در یک نظام اقتصادی مبتنی بر نوآوری بسیار مهم است. بنابراین تشویق و حمایت از شروع مخاطره تجاری جدید یک دغدغه نظم عمومی جدید به دلیل تاثیر آن بر رشد اقتصادی به خصوص ایجاد اشتغال به حساب می‌آید. این

دغدغه به خصوص دوره بحران که چالشهای نوین در رابطه با رشد اقتصادی مطرح می‌شود. در واقع، همان‌طور که ارائه مطرح می‌کند، بحران اقتصادی و مالی بین المللی در سال ۲۰۰۸ عصر نوینی از اقتصاد را با دلالت‌های مهم بر شرکت‌ها و آموزش کارآفرینی به وجود آورد. این دلالت‌ها بر پیامدها و کاربرد یادگیری و توازن قدرت بین فراگیر، موسسات و معلمین تاثیر گذاشت و یکی از مشکلات توسعه مدل فرآیند یکپارچه‌ی آموزش کارآفرینی در این واقعیت نهفته که خطوط بین نقش فعالان همیشه شفاف نیست.

به علاوه، همان‌طور که وود مطرح کرده، آموزش کارآفرینی یک اتفاق منحصر نیست بلکه فرآیند مستمری است که مشتمل بر مجموعه‌ای از رویدادها است. در نتیجه نقش آموزش در کارآفرینی و در شناسایی وقف پتانسیل کارآفرینی در سن جوانی و سیاستمداران و معلمان محرز است.

یکی از بحران‌ها در دروس کارآفرینی همان‌طور که نک و گرین اشاره کرده این واقعیت است که آنها در بهره‌برداری از فرصت‌های خاص متمرکز هستند، با فرض اینکه این فرصت از پیش شناسایی شده است. بنابراین توجه خیلی کمی به خلاقیت و فرآیند خلق ایده شده است. بدین ترتیب جاشو و همکاران در تحلیل خود در مورد نیازهای آموزشی در کارآفرینان، به این نتیجه رسیدند که در دوره‌های

آموزشی مهارت‌های کارآفرینی در حیطه‌هایی مانند نحوه افزایش خلاقیت و نوآوری کمبودهایی وجود دارد.

در قرن اخیر محیط بیرونی که در آن دانشگاه‌ها فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند تغییرات اساسی داشته است. یک برهه تاریخی در این تغییر انتشار گزارش بوش در سال ۱۹۴۵ است. اصل اساسی گزارش بوش ساده بود: کشفیات تحقیقات اولیه از طریق انتقال تکنولوژی متحول شد و به یک هدایت‌کننده قدرتمند محیط اقتصادی و رفاه اجتماعی تبدیل گشت. بعد از آن رسالت دانشگاه‌ها دیگر محدود به آموزش نبود علاوه بر آن آنها باید تحقیقاتی هم می‌کردند. (والز و کندام ۲۰۰۳).

اخیرا در نتیجه مجموعه‌ای از اصلاحاتی که بهبود انتقال پیامدهای تحقیق در صنعت را هدف قرار داد یک مفهوم سازی مجدد از نقش دانشگاه‌ها در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت. در آمریکا قانون بایدول به دانشگاه‌ها اجازه داد تا مالکیت حق اختراع حاصل از مرکز مالی تحقیقات فدرال را داشته باشند. تغییرات ساختاری در محیط بیرونی دانشگاه‌های اروپایی که از اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت آنها را با یک نقش پیش فعال‌تر در انتقال تکنولوژی به جلو سوق داد. در نتیجه دانشگاه‌ها در حال حاضر مجبور هستند که نیازهای اقتصادی و اجتماعی جوامع را برآورد سازند. بنابراین رسالت دانشگاه‌ها دیگر

محدود به تحقیق و آموزش نمی شود. به علاوه آنها همچنین در رشد اقتصادی مناطقی که قرار گرفته اند سهمیم هستند. این پدیده نو از پدیده ای موسوم به انقلاب دوم شکل گرفت که به آن دانشگاه کارآفرینی یا کارآفرینی دانشگاهی برچسب زده اند.

دانشگاه کارآفرینی چیست؟ این اصطلاح در عمل با انتشار اثری از کلارک با نام ایجاد مسیرهای تحول سازمانی دانشگاه ها رقم خورد. به منظور تعریف دانشگاه کارآفرینی، تجربه پنج دانشگاه اروپایی که معیارهای سازمانی و کارکردی مشابه به شرک های خصوصی را اتخاذ کرده اند، تحلیل می شود. کلارک مجموعه ای از ویژگی های مورد نیاز برای موفقیت فعالیت های کارآفرینی را مشخص می کند: (۱) مدیران مقتدر برای تصمیم گیری (۲) مشارکت های بالقوه توسعه یافته (۳) پایگاه مالی مختلف برای تضمین استقلال (۴) گروه های با انگیزه آکادمیک و (۵) فرهنگ کارآفرینی که نیازمند احیای داخلی متداوم به منظور تطابق با تغییرات در روابط بیرونی.

طبق گفته اتسز گوویچ، کارآفرینی آموزشی می تواند در مجموعه ای از پیشنهادها میان ارتباطی بیان شود: سرمایه داری دانش مبنای رشد اقتصادی و اجتماعی قرار می گیرد و نقش پیشرفته ای در جامعه ای دانشگاهی ایفا می کند. (۲) تعامل با دولت و صنعت، آنچه اتز گوویچ و همکاران مدل منحنی سه گانه می نامد، (۳) استقلال دانشگاه (۴) خلق

اشکال ترکیبی سازمانی که رویکردهای بخش تجاری را و دانشگاه‌های سنتی را در برمی‌گیرد و ۵) احیای متدوام ساختار درونی دانشگاه در ارتباط با صنعت و تغییرات دولتی.

از طرف دیگر، چند نویسنده بر مخاطرات درک فعالیت کارآفرینی دانشگاه تاکید کرده‌اند. این صنعت ممکن است به طور روزافزون در فعالیت‌های دانشگاه مداخله کند و افراد دانشگاهی را به سمت و سوی سرمایه‌داری آموزشی سوق دهد. جامعه و قشر دانشگاهی ممکن است دانشگاه کارآفرینی را به دانشگاه کسب سود اشتباه بگیرد. زمسکی و همکاران بر اهمیت رسالت آموزشی در دانشگاه تاکید می‌کند و دانشگاهیان را بر سوق دادن یادگیری به سوی مرکز مشارکت آموزشی تشویق می‌کند. مداخله اضافی صنعت ممکن است همچنین بر ایجاد تعارض میان دانشگاهیان و اعضای آن تاکید کند. همچنین خدمات دانشگاهی ممکن است موجب بهبود انتقال نتایج تحقیق در صنعت با هزینه‌ی بالا و حفظ و نگهداری زیاد شود.

به رغم مخاطرات و فقدان تعریف متفق القول، کارآفرینی آموزشی بر سایر ماموریت فهرست سنتی دانشگاه می‌افزاید. رشد اقتصادی و سیاسی حیطه جغرافیایی نیز در آن متمرکز می‌شود. تعاملات بسیار وسیع صنعت با دانشگاه وجود دارد که ممکن است در این فعالیت کارآفرینی دخیل باشد: ارتباطات آگاهانه، استخدام فارغ التحصیلان،

اعطای حق اختراع و لیسانس، و اطلاعات تجاری جدید پیرامون علم و تکنولوژی دانشگاهی از جمله‌ی این تعاملات هستند.

هرچند تاسیس یک شرکت جدید تنها یکی از مکانیزم‌های بی‌شمار انتقال دانش از دانشگاه‌ها به صنعت است، این انتخاب به دلیل شناخت آن به عنوان ابزار تقویت رشد اقتصادی داخلی اهمیت روز افزونی داشته است. در حقیقت دهه‌های اخیر شاهد افزایش شرکت‌های برگرفته از فناوری توسعه یافته دانشگاه‌ها بوده است. این پدیده در آمریکا محرزتر است و در برخی کشورهای اروپایی مانند انگلیس و سوئد نیز کاملاً رایج است.

با این حال مطالعات اخیر نشان داده است که فعالیت‌های جانبی مفید ترین مسیر موجود برای انتقال دانش از دانشگاه‌ها به صنعت نیستند حتی در کشورهایی که این پدیده وسعت بیشتری دارد. طبق گفته لستر، فعالیت‌های جانبی کسر بسیار کوچکی از میزان کلی تجارت‌های جدیدی است که در آمریکا شروع شده است. هیوز، همچنین تاکید می‌کند که بر اقتباس‌ها تاکید بسیار زیادی شده است. این امر ممکن است تصمیم گیرندگان را به سمت و سوی سوء برداشت از ماهیت مدل انتقال تکنولوژی سوق دهد.

حرفه ای خود کسب نمایند ، در غیر اینصورت فرصت های اشتغال را از دست خواهند داد.

تردیدی نیست کسب چنین سطحی از دانش و توانمندی ، فرد را قادر می سازد تا بتواند با تکیه بر استعداد های سرشار خدادادی و ذاتی که در وجود هر انسانی نهفته است، معماری سرنوشت خود را شخصاً انجام دهد و به موفقیت های چشم گیری در عرصه کسب و کار نائل گردد، هنگامی که افراد جامعه به سطحی از ارتقاء توانمندی های خود برسند بالطبع جامعه وارد مرحله ای از شکوفایی و رونق اقتصادی خواهد شد، آن چه که گردآورنده پژوهش حاضر را ملزم به این حرکت کرد تحقیقی در این رابطه با این مسئله بود که موانع تحقق بخشیدن کارآفرینی در چرخه اقتصاد ملی ایران را هر چند به صورت اجمالی بیان نماید و مباحث مربوط به عقب ماندگی، پیشرفت ، وابستگی ، توسعه و وابستگی ، استعمار و سرمایه داری تا چه حد می تواند ما در ارائه بهتر و جامع تر این مسئله یاری رساند . امید آن است که نهایت بتوانیم به ریشه یابی و علل موانع توسعه و کارآفرینی در ایران هر چند به صورت اجمالی دست یابیم.